



A Comparative Study of the Informational and Informant Validity Approaches to the Ahādith of Ahl al-Bayt and Its Role in the Exegesis of the *Noble Qur'an*

Ali Abdollah Zādeh* | Mahdi Izadi**

Received: 2020/10/16 | Accepted: 2021/4/18

Abstract

The Ahādith of Ahl al-Bayt (PBUH) are among the most important resources for exegesis of the *Qur'an* so the assessment of their credibility can have a tremendous effect on using them in the science of Tafsir. It seems that the comparative survey of informational and informant validity approaches has significant effects in the validation of exegetical Ahādith. By surveying the above 2 approaches and preferring the informational validity approach based on document study, text study, and reference study, the present article attempts to explain the impact of adopting each of the above approaches and the role of Ahādith in the interpretation of the *Qur'an*. Using descriptive analysis, this research study explains both of the above approaches and then compares them in terms of exegesis of the *Qur'an*. The Informant validity approach pays attention to the authority of Āhād news in interpretation of the *Noble Qur'an* and regarding the preference of information validity approach, the application methods of document study, text study, and reference study are presented.



Keywords: Exegetical Narrations, Informational Validity, Informant Validity, Credibility and Authority, Document

* Ph.D. Graduate, Imam Sādeq University (Corresponding Author) | abdollahzadeh@isu.ac.ir

** Full Professor at the Department of the Qur'an Sciences and Haith, Imam Sādeq University | izadii@isu.ac.ir

■ Abdollah Zādeh, A; Izadi, M (2021) A Comparative Study of the Informational and Informant Validity Approaches to the Ahādith of Ahl al-Bayt and Its Role in the Exegesis of the Noble Qur'an. *Biannual Journal of Comparative Exegetical Researches*, 7 (13) 7-30 . Doi: 10.22091/PTT.2020.4224.1537





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بررسی تطبیقی رویکرد وثاقت خبری و وثاقت مخبری به احادیث اهل بیت (ع) و نقش آن در تفسیر قرآن کریم

علی عبدالله زاده* | مهدی ایزدی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۵ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۲۹

چکیده

اعتبارسنجی احادیث، یکی از مباحث مهم در علم تفسیر است. به نظر می‌رسد بررسی تطبیقی دو رویکرد وثاقت خبری و وثاقت مخبری، فواید مهمی در زمینه اعتبارسنجی احادیث تفسیری داشته باشد. نوشتار حاضر، با بررسی دو رویکرد وثاقت مخبری و وثاقت خبری و ترجیح رویکرد وثاقت خبری بر اساس سه مبنای سندشناختی، متن‌شناختی و مصدرشناختی، سعی در تبیین تأثیر اتخاذ این دو رویکرد در نقش‌آفرینی احادیث در تفسیر قرآن کریم دارد. بر این اساس، با توجه به رجحان دیدگاه وثاقت خبری، شیوه کاربست مبانی سندشناختی، متن‌شناختی و مصدرشناختی را در تفسیر عرضه نموده است.



واژگان کلیدی: روایات تفسیری، وثاقت خبری، وثاقت مخبری، اعتبار و حجیت، سند.

* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق علیه السلام (نویسنده مسئول) | abdollahzadeh@isu.ac.ir

** استاد تمام گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق علیه السلام | izadii@isu.ac.ir

مقدمه

سخن از اعتبار به معنای صحت انتساب متن به پدیدآورنده آن و به تبع، ترتیب اثر دادن به آن است. متون دینی به دلیل اهمیت و اسلوب خاص، نوع ویژه‌ای از اعتبار پژوهی را می‌طلبد. به جهت بار تکلیفی موجود در متون دینی، از مفهوم حجیت به عنوان ثمره اعتبار می‌توان یاد نمود که در اثر آن متن، به عنوان حجتی برای خداوند بر عهده بندگان مطرح می‌گردد. بر این اساس، اهمیت اعتبار پژوهی در روش‌شناسی آموزه‌های دینی بیش از پیش نمایان می‌گردد. (نک: رشاد، ۱۳۸۹، ص ۳۵۵-۳۶۱)

اندیشه‌وران اسلامی از دیرباز، بحث‌هایی درباره اعتبار احادیث در دو حوزه دلالت و سند و نیز دو حوزه عمل و نظر مطرح نموده‌اند، اما چنین می‌نماید که هنوز برخی زوایای اعتبارسنجی روایات به ویژه در تفسیر قرآن کریم نیاز به بررسی بیش‌تر دارد.

پیشینه پژوهش

بحث پیش‌رو، از دو بخش وثاقت خبری و وثاقت مخبری و نقش آن در پذیرش روایات تفسیری تشکیل شده است. درباره وثاقت خبری و وثاقت مخبری، تلاش‌هایی در آثار محققان به چشم می‌خورد که از جمله می‌توان به مقاله «وثوق صدوری و وثوق سندی و دیدگاه‌ها» (ربانی، بهار و تابستان ۱۳۷۸، ص ۱۴۷) اشاره نمود که در آن به بررسی این دو مبنا پرداخته شده است. هم‌چنین اعتبار احادیث اهل بیت (ع) در تفسیر، در آثار متعددی بررسی شده؛ مانند کتاب‌های *البیان* (نک: خویی، ۱۳۹۵، ص ۳۹۸)، *مدخل التفسیر* (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۶، ص ۱۷۴)، *قرآن‌شناسی* (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۱۳۸-۱۳۹)، *درآمدی بر تفسیر روایی جامع* (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۰، ص ۱۳۹-۱۴۱) و مقاله «تفسیر مأثور» (مهدوی‌راد، پاییز و زمستان ۱۳۸۳، ص ۱۹۳-۲۲۸). با وجود این، بررسی اعتبار احادیث تفسیری از دو منظر وثاقت خبری یا وثاقت مخبری، مسأله جدیدی است که در این مقاله بررسی می‌شود.

الف) بررسی احادیث تفسیری در پرتو وثاقت مخبر

در قبول یا رد روایات و از جمله روایات تفسیری می‌توان به دو مبنا اشاره نمود: مبنای اول، اعتبار وثاقت به لحاظ مخبری و مبنای دوم اعتبار وثاقت به لحاظ خبری است. بر مبنای

وثاقت مخبری، آن چه به عنوان روایت معتبر شناخته می شود، روایتی است که راویان ثقه به صورت صحیح روایت کرده باشند؛ در حالی که مبنای وثاقت خبری، بر قراین بسیاری اتکا دارد که محقق را در اعتبار خبر یاری می رسانند و برای وی اطمینان کافی را رقم می زنند. علم اصول فقه، مهم ترین علم از میان علوم اسلامی به شمار می آید که عهده دار اعتبار پژوهی احکام شرعی است. در علم اصول فقه، حالت مستنبط در مواجهه با مسأله شرعی بر اساس حصر عقلی یکی از حالات یقین، ظن، شک و وهم است که از ظن غیر معتبر و وهم نیز در اصطلاح اصولی با عنوان شک یاد می شود (نک: حکیم، ۱۹۷۹، ص ۴۵۴). در دیدگاه مشهور اصولی، تنها حکمی را می توان به شارع مقدس نسبت داد و آن را به لحاظ شرعی معتبر دانست که مبتنی بر یقین باشد (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۲۵۸). البته گونه هایی از ظنون را نیز می توان ملحق به یقین دانست که شارع بر اعتبار آن ها صحه نهاده است. (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۲۷۵)

عمده ترین دلیل حرمت پیروی عملی و اعتقادی از ظن، آیات نهی کننده از پیروی ظن و پیروی نمودن از غیر علم در قرآن کریم است. نگرش اصولیان به این آیات، مبتنی بر اصطلاح خاص و متداول میان ایشان در باب ظن است. بنابراین در نگاه اصولی، با دو مقدمه می توان به نتیجه مطلوب دست یافت که اولین مقدمه، عبارت از اعتبار صرف یقین و خروج هر گونه ظن از دایره اعتبار و دومین مقدمه داخل شدن برخی از ظنون با صحه نهادن شارع در دایره اعتبار است. به نظر می رسد عمده دلایل حرمت عمل و اعتقاد به ظن، ناظر به آیات ناهی از ظن در قرآن کریم است. تا آن جا که برخی از محققان، ظن نهی شده در قرآن را طبیعی ظن به معنای اصولی و منطقی با تمام افراد آن عنوان کرده اند (نک: روحانی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۰۱). به نظر می رسد در این بحث، معنای لغوی با معنای اصطلاحی و حقیقت شرعی خلط شده باشد. ظن مورد نهی در قرآن کریم، عبارت از شک، وهم و پندار باطل است (نک: سبحانی، ۱۴۳۱، ج ۳، ص ۲۵۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲، ص ۵۳۱)؛ در حالی که ظن در اصطلاح اصولی، عبارت از حد فاصل میان شک و یقین است که در مواردی ظن متاخم به علم را نیز شامل می شود (نک: کلباسی، ۱۳۱۷، ص ۱۴). چنین می نماید که ظن نهی شده در قرآن کریم، همه ظنونی را شامل نمی گردد که در اصول فقه طرح شده است

(نک: خمینی، ۱۳۶۳، ص ۴۱۴) و این ظنون تخصصاً از دایره ظنون مطرح شده در قرآن کریم خارجند (نک: سبحانی، ۱۴۳۱، ج ۳، ص ۲۵۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲، ص ۵۳۱)؛ به ویژه این که تفاوت میان قطع و ظن درباره احادیث تنها تفاوتی اسمی عنوان شده است (نک: نراقی، ۱۴۳۳، ص ۱۶۶ و عراقی، ۱۳۶۲، ص ۳۳). نراقی در این باره، ضمن تلاش بر احیای قرآینی که قدما بر صحت خبر اقامه می نمودند، بر این نکته تأکید می ورزد که تفاوت میان ما و قدما، در نوع قرآینی نیست که بر آن استدلال می شود، بلکه در این است که قدما این قراین را قراین موجب قطع می دانستند و ما همان قراین را موجب ظن می دانیم. (نراقی، ۱۴۳۳، ص ۱۶۶)

درباره آیاتی که بر حرمت تبعیت از علم دلالت می کند نیز لزوماً مصطلح منطقی آن را نمی توان به عنوان مقصود آیه مطرح نمود. برخی از دانشمندان، این احتمال را ذکر نموده اند که در این آیات، مراد از علم همان حجت است. (خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۷۸)

از جمله ظنون مصطلح که می توان آن را از دایره ظنون مورد نهی قرآن کریم خارج دانست، ظنون حاصل از روایات تفسیری است. در این بحث، لازم است به منشأ اعتبار یا عدم اعتبار این گونه روایات با عنایت به رویکرد وثاقت خبری و وثاقت مخبری توجه شود. در میان معاصران، رویکرد وثاقت خبری از شهرت بیش تری برخوردار است (نک: ربانی، بهار و تابستان ۱۳۷۸، ص ۱۴۷). دانشمندان شیعه متقدم نیز بر مبنای وثاقت خبری، به تصحیح یا تضعیف احادیث می پرداختند. سید مرتضی با وجود این که به حجیت اخبار آحاد اعتقاد نداشته، بیش تر احادیث را متواتر و موجب علم دانسته است (سید مرتضی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۲۶). شهید اول در این باره، در تعلیل انکار خبر واحد توسط بیش تر اصحاب، این عمل را نه از باب مظنون دانستن خبر واحد و رد آن بر پایه عدم اعتبار ظن، بلکه به این جهت دانسته است که آنان اخبار را هر چند با عنوان واحد وصف شود، متواتر یا دارای مضمونی مجمع علیه دانسته اند (شهید اول، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۴۹). متأخران نیز قرآینی برای رسیدن به صحت خبر اقامه می کنند تا آن ها را به وثوق برسانند (نک: نراقی، ۱۴۳۳، ص ۱۶۶). همین امر نیز سبب شده تا میان آثار متأخرانی که قائل به وثاقت خبری هستند، با قدما تفاوت چندانی در نتیجه دیده نشود و حتی برخی از دانشمندان، به نزدیکی و بلکه اتحاد مسلک قدما و متأخران تصریح نمایند (مامقانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۲۸)؛ زیرا قرآینی را که متأخران در باب وثاقت خبر

استفاده کرده‌اند، سبب نزدیک شدن به متقدمان در باب توثیق خبر گردیده است. اعتبارسنجی روایات صرفاً با لحاظ وثاقت مخبر نزد متقدمان رواج نداشته است. تقسیم‌بندی چهارگانه احادیث به صحیح، موثق، حسن و ضعیف در قرن هفتم هجری، زمینه‌ای برای اعتقاد به دیدگاه وثاقت مخبر فراهم ساخت؛ ولی پذیرش انواع چهارگانه، لزوماً به منزله پذیرش مبنای وثاقت مخبر نیست (نک: شیخ بهایی، بی‌تا، ص ۲۷۰)؛ زیرا حدیث پژوهان معتقد به تنوع اربعه حدیث، در اعتبارسنجی حدیث، از قرائن متعددی غیر از صحت سندی نیز بهره می‌برده‌اند.

محقق حلی بر اکتفا بر مبنای وثاقت مخبر سخت خرده می‌گیرد و آن را بر خلاف سیره دانشمندان امامی می‌داند (محقق حلی، ۱۴۰۳، ص ۱۴۷ و ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۲۹). شهید اول نیز بر این نکته تأکید دارد که با وجود قرائن درباره قول امام حتی در صورت ضعیف بودن سند، می‌توان درباره صحت خبر به علم رسید (شهید اول، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۵۲). توجه به منشأ اعتقاد به رویکرد وثاقت مخبر یا وثاقت خبری نیز از مباحث مهم دیگر در این باب است. منشأ اعتقاد به وثاقت در میان متقدمان و متأخران محل اختلاف است. در سده‌های اخیر، مهم‌ترین دلیل حجیت خبر واحد، سیره و بنای عقلا انگاشته شده تا جایی که برخی، سیره عقلا را تنها دلیل اعتبار خبر واحد و سایر ادله را صرفاً مؤید آن دانسته‌اند (نک: بروجردی، ۱۴۱۷، ص ۲۷۸). در صورتی که سیره عقلا را تنها معیار در وثاقت اخبار بدانیم، مسیر برای اعتقاد به وثاقت احادیث بر اساس مخبر دشوار خواهد شد. صاحب کفایه اثبات حجیت خبر واحد بر اساس بناء عقلا را امری ناممکن می‌شمارد، با این حال اذعان می‌نماید که در صورتی که ابتناء حجیت خبر واحد بر سیره عقلا پذیرفته شود، این سیره بر حجیت هر اماره‌ای دلالت خواهد داشت که موجب ظن یا اطمینان به خبر شود (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۲۹۲)؛ در حالی که صاحب رسائل خود حجیت خبر واحد را بر اساس بناء عقلا، دال بر وجوب عمل به اخبار موثق‌الصدور و صحیح‌قدمایی دانسته است (انصاری، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۳۶۶). علاوه بر این، ابن الغضائری به وجود اسنادی بدون متن و متونی بدون اسناد در میان جاعلان اشاره می‌نماید (نک: ابن الغضائری، ۱۴۲۲، ص ۹۹) که نشان می‌دهد دیدگاه وثاقت

مخبری، نه تنها جامع روایات صحیح اهل بیت (ع) به شمار نمی‌رود، بلکه به صورت کامل، مانع از وارد شدن احادیث جعلی نیز محسوب نمی‌گردد.

هم‌چنین دیدگاه وثاقت بر اساس مخبر می‌تواند تبعاتی را دربر داشته باشد (نک: برزگر، تابستان ۱۳۹۰، ص ۹۶) که از آن جمله می‌توان به بی‌اعتباری بسیاری از روایات، تضعیف مذهب، فقدان دلیل در برخی مسائل شرعی و توسعه ظاهرگرایی اشاره نمود. در صورت اعتقاد به مبنای وثاقت مخبری، راه‌هایی برای اثبات اعتبار روایات تفسیری وجود دارد. اندیشه‌وران امامی هم‌چون: آیت‌الله خویی، آیت‌الله معرفت، آیت‌الله فاضل لنکرانی و برخی دیگر از محققان را می‌توان در زمره افرادی دانست که به حجیت احادیث تفسیری قائل شده‌اند (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۶، ص ۱۷۴؛ خویی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۲۳۸ - ۲۳۹ و ۱۳۹۵، ص ۳۹۸؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۰، ص ۱۳۹-۱۴۱؛ معرفت، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۲۶ - ۱۲۷). استاد جوادی آملی نیز بیانی دارند که در این زمینه قابل ذکر و تأمل است (جوادی آملی، ۱۳۷۸ (الف)، ج ۱، ص ۱۵۴ و ۱۵۵). البته شایان ذکر است که محققان و دانشمندانی که نام آن‌ها در این زمینه برده شد، لزوماً در دیدگاه حدیثی قائل به مبنای وثاقت مخبر نیستند، اما استدلالی که در این زمینه بیان نموده‌اند، عرصه را برای اثبات حجیت روایات در تفسیر قرآن کریم حتی در صورت قول به مبنای وثاقت مخبر نیز فراهم می‌آورد. استدلال‌های انجام‌شده در این زمینه را می‌توان در سه مورد بیان نمود:

۱. از آن جا که ادله حجیت اخبار آحاد مطلق است و اختصاصی به مورد عمل ندارد، می‌توان به حجیت اخبار آحاد در تفسیر قائل شد. این دلیل هنگامی بیش‌تر روشن می‌گردد که توجه شود عمده دلیل متأخران در باب حجیت اخبار آحاد، سیره عقلاست که شارع مقدس عمل بر اساس آن را امضا کرده است. بنای عقلا در باب عمل به اخبار آحاد و استفاده از آن اطلاق دارد. آیت‌الله خویی در مقام اثبات حجیت خبر واحد در تفسیر می‌گوید: «سیره عقلا نیز بر این مطلب دلالت می‌نماید؛ زیرا آنان با طریقی که معتبر باشد، همان رفتاری را انجام خواهند داد که با علم وجدانی انجام می‌دهند. آنان همان گونه که به عنوان مثال از قاعده ید به عنوان اماره‌ای بر ملکیت صاحب ید بر آن‌چه در دست دارد استفاده می‌کنند و آثار مالکیت را بر آن بار می‌نهند، نسبت به این که آن فرد مالک آن چیز باشد خبر نیز

می‌دهند و از سوی شارع نیز منعی نسبت به این سیره مستمر عقلایی صورت نگرفته است». (خویی، ۱۳۹۵، ص ۳۹۸)

آیت الله فاضل لنکرانی نیز می‌نگارد:

«در صورتی که ملاک حجیت خبر بنای عقلا باشد، لازم است ملاحظه شود که آیا اعتماد عقلا بر خبر واحد و استناد به آن تنها در موردی است که اثری عملی بر آن مترتب شود و یا این که آن‌ها با خبر واحد در همه اموری که بر آن مترتب گردد مانند قطع برخورد می‌نمایند. ظاهر این است که ترتیب اثر دادن آنان به شیوه دوم است و آنان تفاوتی در این باب قائل نیستند». (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۶، ص ۱۷۴؛ در این زمینه هم چنین نک: معرفت، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۲۶ - ۱۲۷؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۰، ص ۱۴۰)

۲. در معنای حجیت دو نظر وجود دارد: رأی اول این که حجیت امارات به معنای منجزیت و معذریت است. در این صورت تنها شأن خبر واحد امکان پاسخ‌گویی عبد در برابر مولاست که طبیعتاً تنها در مقام عمل کاربرد خواهد داشت و بنابراین ظنونی که شارع معتبر شمرده و حجت می‌گردند، هیچ گونه شأنیت دیگری جز رفع عقاب و تعلق ثواب در صورت عمل بر طبق آن نخواهند داشت (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۲۶۳ - ۲۶۴)؛ در حالی که شیخ انصاری مبنایی دیگر را در این زمینه بنیان می‌نهد که بر اساس آن می‌توان برای حجیت امارات نوعی کاشفیت از واقع را طرح نمود که بر اعتبار شارع استوار بوده، بر اساس حجیت و اعتباری که شارع برای امارات قرار می‌دهد، آن‌ها را نازل منزله علم می‌نماید که کم‌ترین فایده آن وجوب بناء بر مفاد آن امارات به عنوان واقع است (انصاری، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۲۲ - ۱۲۳). پس از وی نایینی، دیدگاه شیخ را پیگیری نموده، این بار با توضیحی که درباره ماهیت علم می‌دهد، به تأیید دیدگاه وی می‌پردازد. وی میان اعتقاد قلبی مکلف و کشف حقیقی شیء در خارج تفصیل قائل شده و اولی را از جانب شارع قابل اعتبار می‌داند. نمونه‌ای برای تفصیل میان این دو امر را نیز آیاتی عنوان می‌نماید که میان اعتقاد کافران و یقین آن‌ها بینونت قائل شده‌اند (نایینی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۹). بر اساس این معنا از حجیت می‌توان فایده جواز اخبار را بر مضمون اخبار واحد مترتب دانست. به این معنا که اخبار خود به عنوان یک عمل با توجه به این روایات جایز دانسته شده است. آیت الله خویی در این باره می‌گوید:

«ظنی که به امور تکوینی یا تاریخی تعلق یافته باشد مانند این که زیر زمین یا بالای آسمان چنین است و یا این که احوال قرون گذشته به چه صورتی بوده است، در صورتی که از ظنون مطلقه باشد، حجیتی بر آن مترتب نخواهد بود. اما در صورتی که از جمله ظنون خاصه باشد، لازم است در این باره میان مسلک ما و مسلک صاحب کفایه رحمه الله تفصیل صورت گیرد؛ به این معنا که در صورتی که معنای حجیت را قرار دادن غیر علم به عنوان علم از سوی شارع و با تعبد بدانیم، ظن مذکور به اعتبار اثری که دارد، مشمول ادله حجیت قرار خواهد گرفت و آن اثر هم جواز اخبار به متعلق آن ظن است؛ زیرا جواز اخبار به آن شیء متوقف بر این است که به آن علم داشته باشیم و این علم هم به واسطه تعبد شرعی برقرار شده است؛ در حالی که بر مبنای صاحب کفایه که حجیت را در معنای منجزیت و معذرت بدانیم، منجزیت و معذرت تحقق نخواهد یافت جز در صورتی که اثری شرعی وجود داشته باشد و این اثر شرعی هم در این مقام منتفی خواهد بود». (خویی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۲۳۸ - ۲۳۹؛ هم چنین در این زمینه نک: محمدی ری شهری، ۱۳۹۰، ص ۱۳۹-۱۴۱)

۳. روایات آحاد تفسیری تنها در صورتی حجت خواهند بود که مفهوم آیات در وهله اول کشف شود و عرضه بر کتاب انجام گیرد که در صورت عدم مخالفت می تواند به عنوان حجت در فهم آیات مطرح گردند. آیت الله جوادی آملی در این باره می گوید:

«و اما روایات به دو دسته تقسیم می شود: روایات ظنی الصدور و دیگری روایات قطعی الصدور؛ اما روایاتی که صدور آن از معصومین (ع) ظنی است (سنت غیر قطعی) هم در سند وابسته به قرآن کریم است و هم در دلالت؛ اما در سند، از این جهت که قرآن کریم نسبت به کسی که نبوت رسول اکرم (ص) با معجزه دیگر برای او اثبات نشد پشتوانه اعتبار سخنان پیامبر اکرم (ص) است بی واسطه، و پشتوانه سخنان عترت طاهرین (ع) است با واسطه، و اما در دلالت، از این جهت که حجیت محتوای احادیث غیر قطعی در گرو عدم مخالفت محتوای آن با قرآن کریم است و عرضه روایت غیر قطعی بر قرآن برای تشخیص حجت از غیر حجت است و تمیز صدق و کذب و حق و باطل. اما احادیث قطعی الصدور تنها در ناحیه سند، یعنی اصل حجیت (نه سند مصطلح رجالی) نسبت به کسی که نبوت رسول اکرم (ص) از راه معجزه دیگر برای وی ثابت نشده باشد، به قرآن وابسته است و پس از تأمین اصل

حجیت آن به وسیله قرآن، در همه شئون همتای قرآن کریم است؛ یعنی در طول قرآن کریم، حجت مستقل غیرمنحصری است که همانند قرآن محتوایش حجت و هم‌سان قرآن میزان سنجش سنت غیرقطعی است. از این رو احادیث عرض بر کتاب، سنت قطعی را همانند قرآن میزان ارزیابی سنت غیرقطعی می‌داند. (جوادی آملی، ۱۳۷۸ (الف)، ج ۱، ص ۱۵۴ - ۱۵۵) و نیز می‌گوید:

«سنت اعم از قطعی و غیرقطعی برای همیشه و نسبت به همه آیات، مرجع تعلیم و تبیین و شرح خواهد بود؛ لیکن مرجعیت تبعیدی خصوص سنت غیرقطعی بعد از روشن بودن محتوای همه قرآن صورت می‌پذیرد. دیگر آن که هرگز قرآن بدون سنت اعم از قطعی و غیرقطعی حجت نیست و حجیت قرآن بدون سنت قطعی یا غیرقطعی تفکیک آشکار بین دو همتای افتراق‌ناپذیر است.» (جوادی آملی، ۱۳۷۸ (الف)، ج ۱، ص ۱۳۹)

بر این اساس دلیل حجیت احادیث تفسیری، حدیث شریف ثقلین و هم‌چنین روایاتی است که بر لزوم بیان قرآن توسط پیامبر تأکید دارند و ضامن حجیت روایات تفسیری غیرقطعی همان گونه که در روایات عرض آمده، عرضه این روایات به قرآن کریم و اثبات عدم مخالفت است. سه رویکرد بیان‌شده را می‌توان تلاش‌ها و گام‌هایی در دوران اخیر دانست که در جهت ورود روایات اهل بیت (ع) به عرصه تفسیر قرآن برداشته شده است. آن‌چه از نظر گذشت، راه‌کارهایی برای ورود روایات به حوزه تفسیر حتی با رویکرد وثاقت مخبر است. در ادامه، به بررسی بسترهای سندشناختی بر اساس وثاقت خبری می‌پردازیم.

ب) بررسی احادیث تفسیری در پرتو وثاقت خبری

آن گونه که گفته شد، مبنای وثاقت خبری بر قوانین بسیاری اتکا دارد که محقق را در اعتبار خبر یاری می‌رسانند و برای وی اطمینان کافی را رقم می‌زنند. این مبانی را به سه دسته مهم می‌توان تقسیم کرد:

۱. مبانی سندشناختی

از جمله مهم‌ترین مبانی سندشناختی، مبنای حجیت یا عدم حجیت اخبار نقل‌شده از اصحاب اجماع است. در حالی که برخی از محققان این قرینه را به عنوان قرینه‌ای بر صحت خبر نپذیرفته‌اند (خویی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۵۷)، برخی از محققان نه تنها اخبار نقل‌شده از

اصحاب اجماع را پذیرفته‌اند، بلکه حتی به وثاقت مشایخ ایشان نیز حکم نموده‌اند (نک: میرزای قمی، ۱۳۷۸، ص ۴۸۳؛ بروجردی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۴۵ و ۱۴۱۳، ص ۶۷) که نشان‌دهنده اهمیت روایت توسط اصحاب اجماع است.

مبنای دیگر اعتبار احادیث مشایخ ثقات است. ایشان عبارتند از: صفوان بن یحیی، ابن ابی عمیر و احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی. شیخ طوسی درباره ایشان عبارت «لایروون و لایرسلون إلا عن یوثق به»^۱ را به کار برده است (طوسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۵۴). محققان روایات این افراد را در صورتی که فاقد شرایط اعتبار سندی باشد، نپذیرفته‌اند. (نک: خویی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۶۱)؛ در حالی که به استناد شهادت شیخ طوسی، بسیاری از حدیث پژوهان مراسیل ایشان را نیز معتبر دانسته‌اند (نک: شهید اول، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۴۹؛ سبزواری، ۱۳۴۷، ج ۱، ص ۴۴۳) و برخی مشایخ این سه تن را نیز از ثقات به شمار آورده‌اند. (نک: تجلیل، ۱۳۶۳، ص ۱۵۱؛ عرفانیان، ۱۴۱۹، ص ۱۳-۹۳ و سبحانی، ۱۴۱۴، ص ۲۶۷)

سومین مبنا استغنائی مشایخ اجازه از بررسی رجالی است. دیدگاه برخی از رجال‌شناسان، لزوم بررسی رجالی دقیق مشایخ اجازه در سند روایت است و در این زمینه، تفاوتی میان ایشان و مشایخ روایات در متن کتب و اصول روایی قائل نیستند. به اعتقاد شیخ بهایی، اصول و کتب اصحاب ائمه نزد متقدمان مانند خورشید در میانه روز دارای روشنی و وضوح بوده است (شیخ بهایی، بی‌تا، ص ۲۷۰). پس از وی مجلسی اول نیز بر همین عقیده بود (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱۴، ص ۱۳) و در دوران معاصر آیت‌الله بروجردی نیز چنین دیدگاهی داشت. ایشان کتاب‌هایی را که اصحاب ائمه (ع) پدید آورده و به تدوین کتب اربعه انجامیده بود، کتاب‌هایی مشهور و قطعی‌الانتساب به صاحبانشان دانسته است؛ لذا ذکر مشایخی را که صرفاً این کتب را به شاگردانشان اجازه داده‌اند و نقش صحت انتساب کتاب یا اصل را به صاحبانشان ایفا می‌نمایند، از باب تیمن و تبرک می‌داند که ضعف ایشان به اعتبار سند لطمه‌ای وارد نمی‌کند (نک: سبحانی، ۱۴۱۴، ص ۳۸۵). بر این مبنا، وثاقت مخبر در مواردی که صرفاً ناقل کتاب یک نویسنده دیگر است اهمیت چندانی نخواهد داشت. (نک: مددی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۳۶۲)

۱. ایشان هیچ روایتی را به صورت مسند یا مرسل روایت نمی‌کنند جز از طریق فردی که نسبت به وی اطمینان دارند.

آن گونه که در مبانی سندشناختی فوق مشاهده می‌گردد، با توجه به قول به اعتبار روایت بر مبنای لحاظ وثاقت خبری، می‌توان مسیر را برای اعتقاد به وثاقت اخبار بیش‌تری فراهم کرد و از نگاه سخت‌گیرانه و انتقادی به روایات جلوگیری نمود. در این خصوص، ضروری است حتی به برخی امور هم‌چون شیخ اجازه بودن یا وکیل امام بودن نیز توجه گردد؛ زیرا چه بسا این امور نیز به نحوه‌ای صورت گرفته باشد که در کنار قراین دیگر به آن‌ها التفات شود (سند، ۱۴۲۹، ص ۱۲۵). علاوه بر لزوم اعتماد به خبر، لازم است به جرحی که درباره خبر صورت می‌گیرد نیز اعتماد نمود و همان گونه که نمی‌توان خبری را بدون اعتماد و اطمینان به اهل بیت (ع) نسبت داد، نمی‌توان بدون اعتماد به جرحی که صورت می‌گیرد، به آن وقع نهاد و به وسیله آن انتساب روایت به اهل بیت (ع) را انکار نمود.

۲. مبانی متن‌شناختی

توجه به قراین متنی، از راه‌های گوناگونی می‌تواند زمینه را برای رسیدن به وثاقت خبر فراهم سازد. برای نمونه، در این باره می‌توان به ادعیه صحیفه سجادیه، خطب نهج‌البلاغه، دعای ابو حمزه و زیارت جامعه اشاره نمود که وحید بهبهانی از آن‌ها به عنوان روایاتی یاد می‌کند که در متن آن‌ها شهادت بر صدور از اهل بیت (ع) وجود دارد (نک: بهبهانی و خاقانی، ۱۴۰۴، ص ۶۰؛ هم‌چنین درباره صحیفه سجادیه نک: عراقی، ۱۳۶۲، ص ۱۷۵). حتی برخی از رجالیان در اثر قوت متن یک روایت، نه تنها به صدور آن از معصوم اطمینان می‌کنند، بلکه راوی آن روایت را هر چند مهمل باشد، ممدوح می‌دانند. برای مثال، می‌توان به دیدگاه رجال مامقانی درباره موسی بن عبدالله، راوی زیارت جامعه کبیره اشاره کرد (نک: مامقانی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۵۷). ابوالحسن شعرانی بر این مطلب تصریح می‌نماید که در عین عدم صحت سندی بیش‌تر احادیث کتاب کافی، شیخ کلینی به جهت اعتماد بر اعتبار متن احادیث و موافقت آن با عقاید مذهب اهل بیت (ع) و بی‌نیازی به رجوع به سند در مانند این احادیث، آن‌ها را نقل نموده است (شعرانی و مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۰). شیخ طوسی معتقد است هر یک از قراین چهارگانه موافقت روایت با ادله عقلی، قرآن کریم، سنت قطعی و اجماع، می‌تواند بر صحت خبر دلالت نماید (طوسی، ۱۴۳۲، ج ۱، ص ۱۴۴ - ۱۴۵) و از جمله قراین اطمینان‌بخش روایت در زمینه متن محسوب گردد.

به واقع از مهم‌ترین ملاک‌ها در پذیرش احادیث تفسیری، این است که مفاد احادیث با آیات و قلمرو دلالت آن‌ها هم‌خوانی و سازگاری داشته باشد و در این صورت آیات پذیرای معانی روایات خواهند بود (نک: اسعدی، ۱۳۸۹، ص ۳۹۱). برخی از محققان از این نوع استفاده از احادیث در تفسیر، با عنوان "حجیت بیانی" یاد می‌نمایند که از "حجیت تعبدی" بر اساس وثاقت مخبر بالاتر و مهم‌تر است (سند، ۱۴۳۴، ص ۸۲). علامه طباطبایی نیز در این باره می‌نگارد:

«وظیفه محقق روایات غیر فقهی این است که موافقت این احادیث با قرآن را بررسی نماید. اگر این احادیث با قرآن موافقت داشته باشند، این موافقت ملاکی برای اعتبار آن‌ها به حساب خواهد آمد و در این صورت اگر دارای صحت سندی نیز باشند این صحت، زینتی خواهد بود که بر روی روایات قرار خواهد گرفت. اما این که بنا باشد موافقت با قرآن سنجیده نشود و محقق در گیر جست‌وجو از سند گردد و پس از آن روایات صحیح‌السند را بر قرآن تحمیل کند، امری است که دلیلی بر آن یافت نمی‌شود جز آن که بررسی از صحت سند در راستای تحصیل قراین و ثوق به خبر باشد». (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۹، ص ۲۱۲)

بنابراین در میان قراین ذکر شده، مطابقت متن خبر با قرآن کریم در اعتبار سنجی روایات تفسیری از اهمیت بسزایی برخوردار است.

۳. مبانی مصدر شناختی

در کنار قراین سند شناختی و متن شناختی، لازم است از قرینه دیگری با عنوان قرینه مصدر شناختی نام برد که در تحقیقات حدیثی شیعه اهمیت زیادی دارد. با توجه به این که احادیث اهل بیت (ع) به ویژه در عهد صادقین (ع) را شاگردان ایشان در قالب اصول چهارصدگانه نگاشته‌اند (نک: ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰، ص ۳؛ طبرسی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۰۰)، در دوران متقدمان شناخت نسخه حدیثی و صاحب آن و نیز طریق وصول به آن نقش مهمی در احراز صحت خبر ایفا می‌نمود تا آن جا که در صورت بروز تردید در مستند روایی یک فتوا، شیخ طوسی مدعی است طایفه امامیه اتفاق نظر دارند که در صورتی آن فتوا پذیرفته می‌شود که مفتی، ایشان را به اصول و کتب معروف و مشهور که ناقل آن ثقه است، احاله دهد (طوسی، ۱۴۳۲، ج ۱، ص ۱۲۶). محقق حلی مراد شیخ طوسی از حجیت اخبار را حجیت

آن دسته از اخبار دانسته که اصحاب اهل بیت (ع) نگاشته و تدوین کرده‌اند (محقق حلی، ۱۴۰۳، ص ۱۴۷). درباره میزان تاثیر قراین مصدرشناختی در مسلک متقدمان، کافی است به بیان میرزای قمی در این باره توجه نماییم. وی در این زمینه می‌نگارد:

«قدمای از اصحاب به تقسیم‌بندی چهارگانه حدیث ملترم نبوده‌اند، بلکه عنوان صحیح را بر حدیثی اطلاق می‌نموده‌اند که با مقتضیات موجب اعتماد همراه باشد که این مقتضیات اموری مانند وجود روایت در تعداد بسیاری از اصول اربعه‌ائمه، یا تکرار آن در یک اصل یا دو اصل یا بیش‌تر از آن از طرق متعدد یا وجود آن در اصل یکی از افراد مانند صفوان بن یحیی، احمد بن ابی‌نصر، یونس بن عبدالرحمان است که طایفه امامیه بر تصحیح روایات صحیحیه از آنان اجماع نموده است و یا در اصل افرادی هم‌چون: زراره، محمد بن مسلم و فضیل بن یسار آمده باشد که بر تصدیق آنان اجماع صورت گرفته است یا در اصل یکی از افراد مانند عمار ساباطی و مانند وی است که شیخ طوسی رحمه الله در کتاب العده بر عمل به روایت آنان تصریح نموده است و یا وجود روایت در یکی از کتاب‌هایی است که بر امامان اهل بیت (ع) عرضه شده است و آن بزرگواران بر آن صحه نهاده‌اند که از این جمله می‌توان دو کتاب یونس بن عبدالرحمان و فضل بن شاذان را نام برد که بر امام حسن عسکری (ع) عرضه شده است یا این که مأخوذ از یکی از کتاب‌هایی باشد که میان سلف آن‌ها وثوق و اعتماد بر آن وجود دارد مانند کتاب الصلاه حریر بن عبد الله سجستانی و کتاب‌های بنی‌سعید و علی بن مهزیار و کتاب حفص بن غیاث قاضی و مانند آن. به همین جهت هم هست که ابن بابویه در کتاب من لا یحضره الفقیه، با وجود این که بر مبنای اصطلاح متاخران مجموع آن صحیح شمرده نمی‌شود، کتاب خود را صحیح خوانده است». (میرزای قمی، ۱۳۷۸، ص ۴۸۴)

وجود حدیث در کتب و اصول معتبر نزد متقدمان به عنوان قرینه‌ای برای صحت خبر ذکر شده است (شیخ بهایی، بی‌تا، ص ۲۷۰؛ بهبهانی و خاقانی، ۱۴۰۴، ص ۶۰؛ همدانی، بی‌تا، ص ۱۲). به همین ترتیب، ذکر خبر در منابع جمع‌آوری‌شده از اصول و کتب اصحاب اهل بیت (ع) و شاگردان ایشان و اعتماد صاحبان این دسته از کتب که شاخص‌ترین آن‌ها صاحبان کتب اربعه هستند، به عنوان شاخصه‌ای برای وثاقت به خبر عنوان شده است. گرچه اعتقاد به قطعیت و صحت کتب اربعه به اخباریان نسبت داده شده است، در میان اصولیان نیز اعتقاد به

حجیت روایات کتب اربعه و یا دست کم اهمیت ذکر روایت در این کتب در جهت تأمین وثوق و اطمینان به صدور روایت وجود دارد. فاضل تونی در کتاب خود *الوافیه*، از ذکر روایت در کتب اربعه به عنوان یکی از قراین صحت خبر نام برده است. به تصریح وی، خبری که در کتب اربعه آمده باشد و معارض با خبر دیگری که اقوای از آن است نباشد، حائز شرایط عمل است و در این میان تفاوتی میان روایات مسند صحیح، حسن، موثق، ضعیف، مرسل، مرفوع، موقوف، منقطع، معضل، معنعن، منکر، معلل، مضطرب، مدرج، معلق، مشهور، غریب، عزیز، مسلسل، مقطوع و ... وجود ندارد. (فاضل تونی، ۱۴۱۲، ص ۱۶۶)

وحید بهبهانی بیش‌تر احادیث روایت شده در کتب مورد اعتماد را با توجه به شهادت صاحبان کتب و ریشه داشتن آن‌ها در اصول و کتب اصحاب اهل بیت (ع) و شاگردان ایشان، موثق‌الصدور می‌شمرد (نک: بهبهانی و خاقانی، ۱۴۰۴، ص ۶۰). پس از وی میرزای قمی، وجود روایت در کافی و فقیه را به جهت شهادتی که مؤلفان این دو کتاب در ابتدای آن داده‌اند، از قراین وثوق به خبر برمی‌شمرد و وجود روایتی در تهذیب و *استبصار* علاوه بر ذکر در کافی و فقیه را موجب اقوایت روایت می‌داند (میرزای قمی، ۱۳۷۸، ص ۴۸۵). ملا احمد راقی نیز نظریه اصولی خود را بر مبنای مصدرشناختی قرار داده، می‌گوید:

«ان الذي يثبت عندنا هو حجية جميع تلك الأخبار المدونة في الكتب المعتمدة إلا ما دل دليل آخر علي لزوم العمل بها».^۱ (راقی، ۱۴۳۳، ص ۱۹۶)

نیز شیخ موسی تبریزی در شرح خود بر *رسائل*، یکی از قراین بر صدور خبر را وجود روایت در کتب متعدد به خصوص ذکر آن در یکی از کتب اربعه یا همه آن‌ها دانسته است (تبریزی، ۱۳۶۹، ص ۱۸۳). میرزا محمد تنکابنی کتب اربعه را به عنوان کتب معتبره ذکر نموده و آقارضا همدانی یکی از قراین عمده در باب صحت خبر را ذکر آن در کتب اربعه دانسته است (تنکابنی، ۱۴۳۲، ص ۱۴۷ و همدانی، بی‌تا، ص ۱۲). از سوی دیگر، صاحب *جوهر* نیز در مباحث فقهی خود در استناد به اخبار، به خبری که ارباب کتب اربعه به صورت جمعی آن را روایت نموده باشند استدلال نموده و بر اساس آن فتوا داده است (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۱۶، ص ۹۱).

۱. آن‌چه نزد ما ثابت است، حجیت تمام اخبار تدوین شده در کتب معتبر است جز آن‌چه دلیل دیگری بر لزوم تنک عمل به آن دلالت نماید.

و نایینی نیز خدشه در اسناد کتابی هم چون کافی را پیشه عاجزان دانسته است (خویی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۸۱). در دوران معاصر نیز برخی از محققان، با در نظر گرفتن وجوهی به صحت فی الجمله و اعتبار احادیث کتب اربعه و برخی از کتب مشهوره دیگر پرداخته‌اند. (در این زمینه نک: نمازی شاهرودی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۹-۱۸۷؛ هم چنین درباره کافی نک: عراقی، ۱۳۶۲، ص ۹۲؛ داوری، ۱۴۳۴، ج ۱، ص ۱۰۲-۱۰۳؛ درباره من لا یحضره الفقیه نک: داوری، ۱۴۳۴، ج ۱، ص ۱۱۸-۱۱۹؛ درباره اکثر روایات تهذیبین نک: داوری، ۱۴۳۴، ج ۱، ص ۱۸۵؛ درباره تفسیر قمی نک: داوری، ۱۴۳۴، ج ۱، ص ۲۷۶ و درباره المقنع ابن بابویه نک: داوری، ۱۴۳۴، ج ۱، ص ۳۳۲)

هر یک از مبانی ذکر شده، می‌تواند به نوعی در تسهیل ورود روایات در تفسیر قرآن کریم نقش ایفا نماید. قراین وثوق به خبر آن گونه که بیان شد، در متن یا سند یا در مصدر و منبعی وجود دارد که روایت در آن ذکر شده است. همان گونه که گذشت، عالمان بسیاری که عقیده به وثاقت خبری داشته‌اند، در تصحیح و استفاده از احادیث به قراین ذکر شده استناد می‌نموده‌اند.

یکی از کاربردهای مهم مبانی وثاقت خبری، اعتبارسنجی اخبار آحاد تفسیری است. با توجه به این مبنا می‌توان از اعتبار احادیث تفسیری با تکیه صرف بر راویان مستغنی گشت (نک: اسعدی، ۱۳۸۶، ص ۳۷۳)؛ زیرا مبانی اعتبار اخبار در این حوزه حصول اطمینان در این باب خواهد بود که طریق وثاقت مخبر یکی از راه‌های تحصیل آن محسوب می‌گردد. علاوه بر این که محققانی که حجیت روایات تفسیری را نمی‌پذیرند، با ملاک‌های اعتبارسنجی احادیث فقهی، به اعتبارسنجی احادیث تفسیری می‌پردازند. گرچه بسیاری از روایات تفسیری مفید یقین نیستند، در برخی از موارد، سبب اطمینان عرفی‌اند که بر اساس سیره عقلا، شارع مقدس اعتبار آن را امضا کرده است و گاه در اثر تراکم ظنون به کشف مراد خداوند کمک می‌کنند که در این صورت نیز لازم است به آن‌ها توجه شود (نک: مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۱۳۸-۱۳۹؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۰، ص ۱۳۹-۱۴۱؛ مهدوی‌راد، پاییز و زمستان ۱۳۸۳، ص ۱۹۳-۲۲۸؛ سند، ۱۴۲۹، ص ۱۲۳ و ۱۲۴)؛ زیرا آن‌چه مفسران از ظاهر آیات متوجه می‌شوند نیز چیزی جز جمع قراین ظنی و تفسیر قرآن کریم بر اساس آن نیست.

مقایسه دو دیدگاه وثاقت خبری و وثاقت مخبری

با توجه به توضیحات بیان‌شده، می‌توان رویکرد وثاقت خبری را در مقایسه با رویکرد وثاقت مخبری بر مبنای اصول بیان‌شده به تقریر ذیل دارای رجحان دانست:

۱. با توجه به کاربرد ظن در قرآن کریم و ابتناء ادله عدم اعتبار خبر واحد بر این آیات، می‌توان این گونه بیان نمود که ظن ناشی از خبر واحد به صورت تخصص از دایره ظن منهی در قرآن کریم خارج است. زیرا ظن مورد نظر در این باب، ظن اصولی است که حتی ظن متأخم به یقین را نیز دربرمی‌گیرد؛ در حالی که اتباع ظن مورد نهی قرار گرفته در قرآن کریم، عبارت از اتباع شک و وهم است؛ بنابراین نمی‌توان از نهی صورت گرفته از اتباع ظن در ارتباط با حجیت خبر واحد بر اساس رویکرد وثاقت مخبری استفاده نمود.

۲. بیش‌تر دانشمندان امامی بر عقیده اعتبار خبر به لحاظ وثاقت خبری هستند (نک: ربانی، بهار و تابستان ۱۳۷۸، ص ۱۴۷) و قول به وثاقت بر اساس مخبر علاوه بر این که نظریه اقلیتی از دانشمندان امامی محسوب می‌شود، لوازم مطلوبی را دربر ندارد و سبب عدم امکان استفاده از حجم چشم‌گیری از احادیث به ویژه در حوزه تفسیر قرآن کریم خواهد گشت.

۳. بر اساس سیره عقلا که مبتای پذیرفته‌شده کنونی در باب اعتبار خبر واحد است (نک: بروجردی، ۱۴۱۷، ص ۲۷۸)، نظریه وثاقت خبری بر نظریه وثاقت بر اساس مخبر دارای رجحان خواهد بود. برای نمونه، درباره عدم مانعیت رویکرد وثاقت مخبری در احادیث تفسیری می‌توان به دو روایت درباره پیامبر اکرم (ص) و حضرت داوود (ع) اشاره نمود که هر دو با سند صحیح در تفسیر قمی آمده‌اند (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۷۲ و ۲۳۰). روایت نخست به نقل از ابراهیم بن هاشم از ابن ابی عمیر از جمیل بن دراج و روایت دوم از ابراهیم بن هاشم از ابن ابی عمیر از هشام بن سالم یا هشام بن حکم است. روایت نخست، جریان پیامبر در مورد زید بن حارثه و همسر او را که سپس به همسری پیامبر (ص) درآمده است، شرح می‌دهد و این جریان را ناظر به علاقه پیامبر (ص) به همسر زید معرفی می‌نماید. روایت دوم جریان علاقه داوود (ع) به همسر اوریا فرمانده‌اش را روایت می‌نماید که در پی آن داوود (ع) زمینه کشته شدن اوریا را فراهم می‌آورد. آن گونه که می‌دانیم، هیچ یک از این دو روایت با آنچه امامیه نسبت به عصمت انبیا قائل هستند سازگار نیست و این روایات با روایات دیگری که در این زمینه وارد شده است نیز منافات دارند (نک: ابن بابویه، ۱۳۷۸،

ج ۱، ص ۱۹۳ و ۱۹۵ و ۱۳۷۶، ص ۱۰۳؛ طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۵۶۵). این امر سبب شده تا علامه مجلسی هر دو این روایات را از باب تقیه بداند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۴، ص ۲۳ و ج ۲۲، ص ۲۱۶). به نظر می‌رسد وجود این دو روایت با سند صحیح در یکی از مهم‌ترین کتب تفسیری، نشان از این دارد که اکتفا به رویکرد وثاقت مخبری در تحلیل و اعتبارسنجی احادیث، نه تنها جامع روایات قابل استفاده در تفسیر قرآن نخواهد بود، بلکه حتی مانع از ورود روایات غیر معتبر نیز نخواهد گشت.

نتیجه

در این مقاله، دو دیدگاه مهم وثاقت خبری و وثاقت مخبری و نقش آن در روایات تفسیری بررسی شد. بر اساس بررسی تطبیقی این دو رویکرد، با توجه به گرایش بیش‌تر دانشمندان امامی به مبنای وثاقت خبری و نیز بررسی تبعات پذیرش وثاقت مخبر با تکیه بر قراین رجالی و اصولی، دیدگاه وثاقت خبری ترجیح داده شد. سپس با توجه به سه مبنای سندشناختی، متن‌شناختی و مصدرشناختی به عنوان قراین صحت خبر، تلاش شد تا زمینه مناسب‌تری برای بهره‌برداری از احادیث تفسیری فراهم شود.

منابع

قرآن کریم.

۱. آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین، کفایة الأصول، قم: آل‌البيت، ۱۴۰۹.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران: جهان، ۱۳۷۸.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، معالم العلماء، نجف: الحیدریة، ۱۳۸۰.
۴. ابن الغضائری، احمد بن حسین، الرجال لابن الغضائری، قم: دارالحديث، ۱۴۲۲.
۵. اسعدی، محمد، آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹.
۶. -----، سایه‌ها و لایه‌های معنایی در آمدی بر نظریه معناشناسی مستقل فرازهای قرآنی در پرتو روایات تفسیری، قم: دفتر تبلیغات، ۱۳۸۶.
۷. انصاری، مرتضی، رسائل، قم: مجمع الفکر الإسلامی، ۱۴۱۹.
۸. برزگر، مهدی، «ملاک پذیرش خبر و تاملی در دیدگاه آیه الله خویی»، فقه، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۰.
۹. بروجردي، سیدحسین، تقریرات فی اصول الفقه، تقریر: علیپناه اشتهااردی، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۷.
۱۰. -----، تقریرات ثلاثة، تقریر: علیپناه اشتهااردی، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۳.
۱۱. -----، نهاية التقرير، تقریر: محمد فاضل لنکرانی، قم: مطبعة الحکمة، ۱۳۷۷.
۱۲. بهبهانی، وحید و علی خاقانی، رجال الخاقانی ومعه فوائد الوحيد البهبهانی، قم: دفتر تبلیغات، ۱۴۰۴.
۱۳. تبریزی، موسی بن جعفر، أوثق الوسائل فی شرح الرسائل، قم: کتبی نجفی، ۱۳۶۹.
۱۴. تجلیل تبریزی، ابوطالب، معجم الثقات و تفصیل طبقات الرواة، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۳.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم: اسرا، ۱۳۷۸.
۱۶. حکیم، سیدمحمدتقی، الأصول العامة للفقه المقارن، بیروت: آل‌البيت، ۱۹۷۹.
۱۷. خمینی، سیدروح‌الله، انوار الهدایة فی التعلیقة علی الکفایة، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار، ۱۴۱۵.
۱۸. -----، عقائد شیعه یا کشف اسرار هزار ساله، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۶۳.
۱۹. خویی، سیدابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالزهراء، ۱۳۹۵.
۲۰. -----، معجم رجال الحديث، قم: الآداب، ۱۴۰۳.
۲۱. -----، مصباح الاصول تقریر (مباحث حجج و أمارات)، مقرر: واعظ حسینی بهسودی، محمد سرور، قم: مكتبة الداوری، ۱۴۲۲.
۲۲. داوری، مسلم، اصول علم الرجال بین النظرية و التطبيق، قم: مؤسسة الرافد، ۱۴۳۴.
۲۳. ربانی بیرجندی، محمدحسن، «وثوق صدور و وثوق سندی و دیدگاه‌ها»، فقه، شماره ۱۹ و ۲۰، بهار و تابستان ۱۳۷۸.
۲۴. رشاد، علی اکبر، منطق فهم دین، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۹.
۲۵. روحانی، سیدمحمد، منتقى الأصول، قم: دفتر آیت‌الله سیدمحمد روحانی، ۱۴۱۷.
۲۶. سبحانی، جعفر، المبسوط فی اصول الفقه، قم: موسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۳۱.

۲۷. -----، کلیات فی علم الرجال، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۴.
۲۸. سبزواری، محمدباقر بن محمد مؤمن، ذخیره المعاد، نجف: الحیدریه، ۱۳۴۷.
۲۹. سند، محمد، بحوث فی مبانی علم الرجال، معالجة علمية لبعض الإثارات الفاشلة حول التراث الديني تحت ذريعة تهذيب الأحاديث و تصحيحها، تقرير: محمد صالح تبریزی، قم: مدین، ۱۴۲۹.
۳۰. سید مرتضی، علی بن الحسین، رسائل الشریف المرتضی، قم: دارالقرآن، ۱۴۰۵.
۳۱. شهید اول، محمد بن جمال الدین، ذکر الشیعة فی أحكام الشریعة، قم: آل البیت، ۱۴۱۹.
۳۲. شیخ بهایی، محمد بن حسین، مشرق الشمسین و إکسیر السعادتین، قم: بصیرتی، بی تا.
۳۳. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۹۰.
۳۴. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، قم: آل البیت علیهم السلام، ۱۴۱۷.
۳۵. طوسی، محمد بن حسن، العدة فی اصول الفقه، قم: بوستان کتاب، ۱۴۳۲.
۳۶. -----، اختیار معرفة الرجال، قم: آل البیت، ۱۴۱۷.
۳۷. عرفانیان، غلامرضا، مشایخ الثقاة، قم: دفتر تبلیغات، ۱۴۱۹.
۳۸. فاضل تونی، محمد حسین، الوافیة فی اصول الفقه، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۲.
۳۹. فاضل لنکرانی، محمد، مدخل التفسیر، تهران: الحیدری، بی تا.
۴۰. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، تهران: دارالکتاب، ۱۴۰۴.
۴۱. کلباسی، محمد بن محمد ابراهیم، رسالة فی حجة الظن، بی تا، ۱۳۱۷.
۴۲. شعرانی، ابوالحسن و محمد صالح بن احمد مازندرانی، شرح الکافی بتقدیم أبي الحسن الشعرانی، تهران: اسلامیة، ۱۳۸۲.
۴۳. مامقانی، عبدالله، مقباس الهدایة فی علم الدراية، قم: آل البیت، ۱۴۱۱.
۴۴. -----، تنقیح المقال، نجف: المرتضویة، بی تا.
۴۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
۴۶. -----، محمدتقی، روضة المتقین، قم: کوشانیور، ۱۴۰۶.
۴۷. محقق حلی، جعفر بن حسن، المعتمد، قم: سیدالشهدا علیه السلام، ۱۳۶۴.
۴۸. -----، معارج الاصول، قم: آل البیت، ۱۴۰۳.
۴۹. محمدی ری شهری، محمد، درآمدی بر تفسیر روایی جامع، تهران: دارالحديث، ۱۳۹۰.
۵۰. مسعودی، عبدالهادی، تفسیر روایی جامع، تهران: دارالحديث، ۱۳۹۵.
۵۱. مصباح یزدی، محمدتقی، قرآن شناسی، قم: موسسه امام خمینی، ۱۳۹۴.
۵۲. معرفت، محمد هادی، التفسیر الأثري الجامع، قم: التمهید، ۱۳۸۳.
۵۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۴.
۵۴. مهدوی راد، محمد علی، تفسیر مأثور، حدیث اندیشه، شماره ۱۱ و ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۳.
۵۵. میرداماد، محمدباقر بن محمد، الرواشح السماویة، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۵.
۵۶. میرزای قمی، ابوالقاسم، قوانین الأصول، تهران: اسلامیة، ۱۳۷۸.

۵۷. نایینی، محمدحسین، *اجود التقريرات*، تقرير: سيدابوالقاسم خویی، قم: مصطفوی، ۱۳۶۷.
۵۸. نجفی، محمدحسن بن باقر، *جواهر الکلام*، بيروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۹۸۱.
۵۹. نراقی، احمد بن محمد مهدی، *اساس الاحکام*، قم: المنکر العالمی للعلوم و الثقافة الإسلامية، ۱۴۳۳.
۶۰. همدانی، آقارضا بن محمد هادی، *الصلاة من مصباح الفقيه*، قم: داورى، بی‌تا.

Bibliography

The Noble Qur'ān.

Other References

- Ākhound Khorāsāni, Mohammad Kāzem Ibn Hosāyn, *Kefāyah al-Osoul*, Qom: Āl al-Bayt, 1409 A.H.
- Ansāri, Morteżā, *Resā'el*, Qom: Majma' al-Fekr al-Islāmi, 1419 A.H.
- As'adi, Mohammad, *Sāyeha va Lāyeha-ye Ma'nāii Darāmadi bar Nazariyeh Ma'nāshenāsi-ye Mostaqel-e Farāzha-ye Qur'āni dar Partow-e Revāyāt-e Tafsiri*, Qom: Daftar Tablighāt, 1386 S.H.
- As'adi, Mohammad, *Āsib Shenāsi-ye Jaryānha-ye Tafsiri*, Qom: Howzeh & University Research Center, 1389 S.H.
- Barzegar, Mahdi, "Melāke Paziresh-e Khabar va Ta'amolli dar Didgāh-e Āyatollāh Kho'i", *Feqh Journal*, Issue 2, Summer, 1390 S.H.
- Behbahāni, Vahid & Khāqāni, 'Alī, *Rejāl al-Khaqāni va ma'ah Fawā'ed al-Vahid al-Behbahāni*, Qom: Daftar Tablighāt, 1404 A.H.
- Boroujerdi, Seyyed Hosayn, *Nahāyah al-Taqrir*, Edited by Mohammad Fāzel Lankarāni, Qom: al-Hekmah, 1377 S.H.
- Boroujerdi, Seyyed Hosayn, *Taqrirāt fi Osoul al-Feqh*, Edited by 'Alipanāh Ishtehārdi, Qom: Jāme'ah Modarresin, 1417 A.H.
- Boroujerdi, Seyyed Hosayn, *Taqrirāt Thalāthah*, Edited by 'Alipanāh Ishtehārdi, Qom: Jāme'ah Modarresin, 1413 A.H.
- Dāvāri, Moslem, *Osoul 'Elm al-Rejāl bayn al-Nazariyah va al-Tatbiq*, Qom: al-Rāfed, 1343 A.H.
- 'Erfāniyan, Gholāmrezā, *Mashāyekh al-Thaqāt*, Qom: Daftar Tablighāt, 1419 A.H.
- Fāzel Lankarāni, Mohammad, *Madkhal al-Tafsir*, Tehran: al-Heydari, N.D.
- Fāzel Touni, Mohammad Hossayn, *al-Vāfiyah fi Osoul al-Feqh*, Qom; Majma' al-Fekr al-Islāmi, 1412 A.H.
- Hakim, Seyyed Mohammad Taqi, *al-Osoul al-Āmah lel-Feqh al-Moqāren*, Beirut: Āl al-Bayt, 1979.
- Hamedāni, Āqā Rezā Ibn Mohammad Hādi, *al-Salāh men Mesbāh al-Faqih*, Qom: Dāvāri, N.D.
- Ibn al-Ghazā'eri, Ahmad ibn Hossayn, *al-Rejāl le-Ibn al-Ghazā'eri*, Qom: Dār al-Hadith, 1422 A.H.
- Ibn Bābwiyyah, Mohammad Ibn 'Alī, *'Oyuon Akhbār al-Rezā (AS)*, Tehran: Jahān, 1378 S.H.
- Ibn Shahr Āshoub, Mohammad Ibn 'Alī, *Ma'ālem al-'Olamā'*, Najaf: al-Heydariyah, 1380 S.H.
- Javādi Āmoli, 'Abdollāh, *Tasnim*. Qom: Asrā', 1378 S.H.
- Kalbāsi, Mohammad Ibn Mohammad Ibrāhim, *Resālah fi Hojjiyah al-Zan*, N.N: 1317 A.H.

- Khomayni, Seyyed Rouhollāh, *Anvār al-Hedāyah fī al-Ta'liqah 'alā al-Kefāyah*, Tehran: Tanzim va Nashr-r Āthār, 1415 A.H.
- Khomayni, Seyyed Rouhollāh, *'Aqāyed-e Shi'ah yā Kashf-e Asrār-e Hezār Sāleh*, N.P: N.N, 1363 S.H.
- Khoyi, Abolqāsem, *al-Bayān fī Tafsir al-Qur'ān*, Beirut: Dār al-Zahrā', 1359 S.H.
- Khoyi, Abolqāsem, *Mesbāh al-Osoul Taqrir (Mabāheth-e Hojaj va 'Amārāt)*, Edited by Vā'ez Hosayni Behsoudi, Mohammad Sarvar, Qom: al-Dāvai, 1422 A.H.
- Khoyi, Abolqāsem, *Mo'jam Rejāl al-Hadith*, Qom: a-Ādāb, 1403 A.H.
- Mahdaviṛād, Mohammad 'Alī, "Tafsir-e Ma'thour", *Hadith-ee Andisheh*, Issue 11 & 12, Fall & Winter, 1383 S.H.
- Majlesi, Mohammad Bāqer, *Behār al-Anwār*, Beirut: Dār Ehyā' al-Torāth al-'Arabi, 1403 A.H.
- Majlesi, Mohammad Taqi, *Rawzah al-Mottaqin*, Qom: Koushānpour, 1406 A.H.
- Makārem Shirāzi, Nāser, *Tafsir-e Nemouneh*, Tehran: Dār al-Kotob al-Islāmiyah, 1374 S.H.
- Māmqāni, 'Abdollāh, *Meqyās al-Hedāyah fī 'Elm al-Derāyah*, Qom: Āl al-Baty, 1411 A.H.
- Māmqāni, 'Abdollāh, *Tanqih al-Maqāl*, Najaf: al-Mortazawiyah, N.D.
- Mas'oudi, 'Abdollahādi, *Tafsir-e Rewāyi-e Jāme'*, Tehran: Dār al-Hadith, 1395 S.H.
- Mesbāh Yazdi, Mohammad Taqi, *Qur'ān Shenāsi*, Qom: Imām Khomayni Institute, 1394 S.H.
- Mirdāmād, Mohammad Bāqer Ibn Mohammad, *al-Ravsheh al-Samāviah*, Qom: Āyatollāh Mar'ashi Library, 1405 A.H.
- Mirzā Qomi, Abolqāsem, *Qavānin al-Osoul*, Tehran: Islāmiyah, 1378 S.H.
- Mohammadi Rey Shahri, Mohammad, *Darāmadi bar Tafsir-e Rewāyi-ye Jāme'*, Tehran: dār al-Hadith, 1390 S.H.
- Mohaqqueq Helli, Ja'far Ibn Hasan, *al-Mo'tabar*, Qom: Seyyed al-Shohadā' (AS), 1364 S.H.
- Mohaqqueq Helli, Ja'far Ibn Hasan, *Ma'ārej al-Osoul*, Qom: Āl al-Bayt, 1403 A.H.
- Nā'ini, Mohammad Hosayn, *Ajvad al-Taqrirāt*, Edited by Seyyed Abolqāsem Khoyi, Qom: Mostafavi: 1367 S.H.
- Najafī, Mohammad Hasan Ibn Bāqer, *Jawāher al-Kalām*, Beirut: Dār Ehyā' al-Torāth al-'Arabi, 1981.
- Narāqi, Ahmad Ibn Mohammad Mahdi, *Asās al-Ahkām*, Qom: al-'Ālami lel-Oloun va al-Theqāfah, 1434 A.H.
- Qomi, 'Alī Ibn Ibrāhim, *Tafsir-e Qomi*, Qom: Dār al-Ketāb, 1404 A.H.
- Rabbāni Birjandi, Mohammad Hasan, "Vothouq-e Sodouri va Vothouq-e Sanadi va Didgāhhā", *Journal of Feqh*, Issue 19 & 20, Spring & Summer, 1378 S.H.
- Reshād, 'Alī Akbar, *Manteq-e Fahm-e Din*, Qom: Islamic Culture & Thought Research Instititue, 1389 S.H.
- Rowhāni, Seyyed Mohammad Taqi, *Montqai al-Osoul*, Qom: The Office of Āyatollāh Seyyed Mohammad Rowhāni, 1417 A.H.
- Sabzevāri, Mohammad Bāqer Ibn Mohammad Mo'men, *Zakhirah al-Ma'ād*, Najaf: al-Heydariyah, 1347 A.H.
- Sanad, Mohammad, Bohouth fī Mabāni 'Elm al-Rejāl, *Mo'ālejah 'Elmiyah le-Ba'z al-'Ethārāt al-Fāshelah Hawl al-Torāth al-Dini taht Zari'ah Tahzib al-Ahādith va Tashihohā*, Edited by Mohammad Sāleh Tabrizi, Qom: Madyan, 1429 A.H.

- Seyyed Mortazā, 'Ali Ibn al-Hosayn, *Resā'el al-Sharīf al-Mortazā*, Qom: Dār al-Qur'ān, 1405 A.H.
- Shahid-e Avval, Mohammad Ibn Jamāl al-Dīn, *Zekri al-Shi'ah fi Ahkām al-Shari'ah*, Qom: Āl al-Bayt, 1419 A.H.
- She'rāni, Abolhasan & Māzandarāni, Mohammad Sāleh Ibn Ahmad, *Sharh al-Kāfi be-Taqdim 'Abi al-Hasan al-She'rāni*, Tehran: Islāmiyah, 1382 S.H.
- Sheykh Bahā'i, Mohammad iBn Hosaym, *Mashreq al-Shamsayn va 'Eksir al-Sa'adatayn*, Qom: Basirati, N.D.
- Sobhāni, Ja'far, *al-Mabsout fi Osoul al-Feqh*, Qom: Imām Sādeq (AS) Institute, 1431 A.H.
- Sobhāni, Ja'far, *Kolliyāt fi 'Elm al-Rejāl*, Qom: Jāme'ah Modarressin, 1414 A.H.
- Tabarsii, Fazl Ibn Hasan, *I'lām al-Vari be-I'lām al-Hodā*, Qom: Āl al-Bayt (AS), 1417 A.H.
- Tabātabā'i, Mohammad Hosayn, *al-Mizān fi Tafsir al-Qur'ān*, Qom: Jāme'ah Modarressin, 1390 A.H.
- Tabrizi, Mousā Ibn Ja'far, *'Awthaq al-Vasā'el fi Sharh al-Resā'el*, Qom: Katabi Najafi, 1369 S.H.
- Tajlili Tabrizi, Abou Tāleb, *Mo'jam al-Theqāt va Tafsil Tabaqāt al-Revāt*, Qom: Jāme'ah Modarressin, 1363 S.H.
- Tousi, Mohammad Ibn Hasan, *al-'Eddah fi Osoul al-Feqh*, Qom: Boustān-e Ketāb, 1432 A.H.
- Tousi, Mohammad Ibn Hasan, *Ikhtiyār Ma'refah al-Rejāl*, Qom: Āl al-Bayt (AS), 1417 A.H.



فهرست مقالات

- ۹..... بررسی تطبیقی رویکرد وثاقت خبری و وثاقت مخبری به احادیث اهل بیت (ع) و نقش آن در تفسیر قرآن کریم
علی عبدالله زاده | مهدی ایزدی
- ۳۳..... بررسی فضای نزول آیه وارثان زمین با تکیه بر تفاسیر فریقین
فاطمه باباعلی | محمد مهدی تقدیسی | جعفر نکونام
- ۶۱... بررسی تحلیلی آراء قرآن پژوهان فریقین در دلالت آیه ۲۱۹ سورة شعراء بر یکتاپرستی نیاکان پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) ..
علی محمدی آشنانی | اکرم ناطق | حسین علوی مهر
- ۸۵..... تفسیر تطبیقی آیه ۱۵۹ سورة نساء و ارتباط آن با نزول حضرت عیسی (ع)
سعید توسلی خواه | دکتر ابراهیم ایزدخواه
- ۱۰۱..... نظریه پردازی تطبیقی درباره عصمت پیامبر اکرم (ص) از نائبرگذاری بر وحی
دکتر مصطفی کریمی | صدیقه پروان
- ۱۲۹..... تحلیل انتقادی دیدگاه علامه طباطبایی و آیت الله معرفت درباره بطن قرآن کریم
دکتر مهیار خانی مقدم | دکتر سیده سعیده غروی
- ۱۶۱..... بازخوانی آیه *وَلَا تَقْلُوبُوا يٰۤاٰیْدِيْكُمْ اِلٰی التَّهْلُكَةِ* با رویکرد پیوستگی و استقلال آیات
محمد بهرامی
- ۱۸۱..... گستره معرفتی قرآن کریم از منظر علامه طباطبایی و آیت الله جوادی آملی
سلیمان خاکبان
- ۲۰۷..... بررسی و تحلیل تفسیری داستان سلیمان (ع) و ملکه سبا در نگاه قرآن کریم و تطبیق آن با عهد قدیم
سید حسین حسینی بجدنی | مهدی مهریزی طرقي | سید محمد باقر حجتی | عنایت شریفی
- ۲۳۳..... بررسی قرآنی دیدگاه فمینیست های مسلمان و فمینیست های غربی در فرزندآوری
زینب شمس | طلعت حسنی
- ۲۶۹..... بررسی تطبیقی آراء مفسران در تفسیر «هٰذَا رَجِی» در آیات ۷۶ تا ۷۹ سورة انعام با تکیه بر ارتباط آیات
محمد حسین برومند | امیر جودوی | سامیه شهبازی
- ۲۹۷..... تحلیل تطبیقی عملکرد تفسیری فخر رازی و آلوسی در مساله جسم انگاری خداوند
محمد بزرگزاده | حسین خاکپور | ابراهیم نوری
- ۳۲۳..... بررسی و نقد دیدگاه مفسران درباره آیه ۱۲۰ سورة انعام (تحلیلی از ظاهر و باطن ائم)
رضا مهدیان فر | سید محمود طیب حسینی

